بسم‌الله الرحمن الرحیم

**متن درس فقه عبادات (ستر و ساتر) [[1]](#footnote-1) استـاد شوپایی جویباری زیدعزه**

اعوذبالله من الشیطان الرجیم بسم الله الرحمن الرحیم الحمدلله رب العالمین و صلی الله علی محمد و آله الطاهرین و لعنه الله علی اعدائهم اجمعین

# [مرور گذشته: تقریب استدلال اقای خویی به ایه حرمت ابداء در کتاب الصلاه]

ایه شریفه و لایبدین زینتهن الا لبعولتهن دلیل در مساله بود در اشکال به استدلال به ایه شریفه گفته شده بود که به این ایه نمی‌توان استدلال کرد زیرا که مقصود از زینت در ایه شریفه مواضع زینت و بدن زن حساب می‌شود و در خود ایه شریفه در ابتدای ایه زینت ظاهر استثناء شده است و مراد از زینت ظاهر قدرمتیقنش همان وجه و کفین است بنابراین برای حرمت نظر به وجه و کفین نمی‌توان استدلال کرد زیرا در خود ایه شریفه وجه و کفین استثناء شده است علاوه بر اینکه در روایات نیز وجه و کفین نیز استثناء شده است.

## [روایات استثناء وجه و کفین]

روایات دال بر استثناء وجه و کفین از وجوب تستر و حرمت نظر چند روایت بود، صحیحه فضیل و دیگری موثقه بی بصیر و روایت سومی است که دال بر مدعا است:

## روایت سوم: معتبره مسعده بن زیاد است که حدیث 5 باب 109 ابواب مقدمه نکاح:

عَبْدُ اللَّهِ بْنُ جَعْفَرٍفِي قُرْبِ الْإِسْنَادِعَنْ هَارُونَ بْنِ مُسْلِمٍ‌عَنْ مَسْعَدَةَ بْنِ زِیَادٍقَالَ سَمِعْتُ جَعْفَراً: وَ سُئِلَ عَمَّا تُظْهِرُ الْمَرْأَةُ مِنْ زِينَتِهَا قَالَ الْوَجْهَ وَ الْکَفَّيْنِ.[[2]](#footnote-2)

با توجه به استثناء وجه و کفین از ایه لایبدین زینتهن دیگر وجهی ندارد که ایه شریفه را دال بر حرمت بدانیم.

# [تقریب استدلال به ایه در کتاب النکاح از آقای خویی]

 مرحوم اقای خویی در کتاب النکاح به بیان دیگری به این ایه شریفه برای اثبات حرمت نظر به وجه و کفین اجنبیه و لزوم تستر آن استدلال کرده‌اند و این ایه را دال بر حرمت الکشف و وجوب الستر دانسته‌اند با این تقریب که:

این ایه شریفه متصدی بیان دوحکم است:

* حکم اول: حرمت ظاهر کردن بدن و عدم التستر فی حد نفسه عند احتمال وجود ناظر محترم است که صدر آيه دلالت دارد ظاهر کردن و عدم تستر جایز نیست.
* حکم دوم: حرمت اظهار بدن برای غیر است که از ان تعبیر به ابداء می‌شود ان هم در جایی که قطع به وجود ناظر محترم دارد که زن بخواهد بدنش را برای او اظهار کند؛ لايبدين ...دوم دلالت دارد بر زن جایز نیست که بدنش را ابداء کند الا برای زوج و محارم.

لذا فقره لایبدین در اول ایه غیراز فقره لایبدین قسمت دوم است؛ دراینصورت در قسمت اول «ما ظهر منها» استثناء شده است که مقصود همان وجه و کفین است ولی استثناء وجه و کفین تنها در مورد حکم اول است اما در جایی که قطع به وجود ناظر محترم دارد؛ دراینصورت استثنائی ذکر نشده است که دال بر مدعا این قسمت دوم است لذا عند احتمال ناظر محترم ستر وجه و کفین واجب نیست ولی عند قطع به وجود ناظر محترم باید وجه و کفین را بپوشاند و روایات وارد در ذیل آیه نیز علی قسمین است که برخی ناظر به حکم اول و برخی ناظر به حکم دوم است؛ روایت ابی بصیر صریح دراین است که سوال از قسم اول از آیه، غیر از قسم دوم ایه است؛ ولی در صحیحه فضیل که درش ذراعين آمده است و امر به ستر کرده است ناظر به قسمت دوم است لذا تعبیری که در صحیحه فضیل وارد شده است این است که «:سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلاَمُ‌عَنِ الذِّرَاعَيْنِ مِنَ الْمَرْأَةِ هُمَا مِنَ الزِّينَةِ الَّتِي قَالَ اللَّهُ وَ لاٰیُبْدِينَ زِینَتَهُنَّ إِلاّٰ لِبُعُولَتِهِنَّ قَالَ نَعَمْ وَ مَا دُونَ الْخِمَارِ مِنَ الزِّينَةِ وَ مَا دُونَ السِّوَارَيْنِ.» و این ناظر به قسمت دوم است و حضرت ذراعین را مصداق قسمت دوم ایه می‌داند؛ لذا به این تقریب می‌توان این آیه را دال بر وجوب تستر وجه و کفین و حرمت نظر مرد به وجه و کفین قرار داد.

## [اشکال]

به تقریب مرحوم اقای خویی در کتاب النکاح اشکال وارد است زیرا که به مقنضای ظاهر کلمه ابداء در هر دو قسمت به یک معنا است و مورد آن واحد است و اینکه گفته شود که در هر کدام معنایی غیر از دیگری اراده شده است با ظاهر اولیه آیه سازگاری ندارد؛ منتهی چطور در قسمت اول ذکر نشده است ابداء زینت برای چه کسی و درقسمت دوم ابداء زینت برای چه کسانی ذکر شده است از این باب است که در قسمت اول در مقام بیان استثناء ما ظهر بوده است ولی در قسمت دوم در مقام بیان من یجب التستر بوده است ، اینکه در یکی استثناء ذکر شده است و در دیگری ذکر نشده است نکته‌اش این است که در قسمت اول ایه شریفه در مقام بیان زینت ظاهره بوده است و در قسمت دوم که این استثناء را نگفته است چون ناظر به من یجب التستر عنه بوده است لذا اختلاف در ذکر استثناء ما ظهر دلیل بر تفاوت و اختلاف معنا در ابداء نیست بنابر این قول به اینکه ایه شریفه در دو قسمت دو حکم مستقل را بیان کرده‌است با ظاهر آيه موافق نیست.

علاوه بر اینکه فرموده اند روایات نیز بر قسمین هستند و روایت ابی بصیر ناظر به قسم اول و روایت فضیل ناظر به قسم دوم است این فرمایش نیز مقبول نیست زیرا در ذیل روایت فضیل سوال از مصداقیت ذراعین برای زینت است و امام فرموده است که «نَعَمْ وَ مَا دُونَ الْخِمَارِ مِنَ الزِّينَةِ وَ مَا دُونَ السِّوَارَيْنِ.» که یعنی ناظر و در مقام تحدید زینت ظاهره است ولو در صدر روایت ناظر به استثنای از بعولتهن و ... سوال شده است [[3]](#footnote-3)و اینطور نیست که این روایت به حکم اول نظارت نداشته باشد و تنها بخواهد مادون السوار و مادون الخمار را نسبت به بعولتهن و ... تحدید کرده باشد؛ لذا در معنای ابداء تفاوت معنایی وجود ندارد.

# [وجه سوم: آیه قواعد]

این ایه شریفه در مورد قواعدی که دیگر امید به نکاح ندارند فرموده است که می‌توانند بدون لباس باشند؛ از این جواز در وضع ثیاب، استفاده می‌شود که برای غیر قواعد من النساء، تستر واجب است و باید لباس بپوشند و ستر کنند و اطلاق وجوب الستر شامل وجه و کفین از بدن مرأه نیز خواهد شد.

## [اشکال اول: مناقشه در این استدلال]

اقای خویی فرموده است[[4]](#footnote-4) که در این آیه شریفه، مراد از ثیاب در روایات دیگر تفسیر شده است که مراد خمار و جلباب است، نه مطلق لباس‌های دیگر را جایز اند که زمین بگذارندلذا قواعد من النساء فقط جلباب و خمار را می‌توانند کنار بگذارند که در صحیحه محمد بن مسلم امده است:

ُمحَمَّدُ بْن يَعْقُوبَ‌عَن عِدَّة مِن أَصْحَابِنَاعَن أَحْمَدَ بْن مُحَمَّدٍعَن اِبْن مَحْبُوبٍ‌عَن اَلْعَلاَ بْن رَزينٍ‌عَن مُحَمَّدِ بْن مُسْلِمٍ‌عَن أَیِي عَبْدِ اللَّه عَلیَهْ السَّلاَم: فِي قَوْل اللَّه عَزَّ وَ جَلَّ‌ وَ الْقَوٰاعِدُ مِن النِّسٰاء اللاّٰیِي لاٰیَرْجُون نکِاحاً، مَا الَّذِي يَصْلُح لَهُنَّ‌ أَن يَضَعْن مِن ثيَابِهِنَّ‌ قَال الْجِلْبَاب..[[5]](#footnote-5)

لذا غیر قواعد باید خمار و جلباب را داشته باشند و حال اگر شخص دارای خمار و جلباب است مستلزم پوشش و ستر وجه و کفین است؟ خیر؛ لذا لازم نیست که وجه و کفین را بپوشانند که این مناقشه، اشکال صحیح و واردی است.

## [اشکال دوم]

علاوه بر این اشکال دیگری نیز وارد است که آیه شریفه تجویز وضع ثیاب کرده است حال اگر مراد از ثیاب مثل قمیص نیز باشد و دلالت کند که غیر قواعد باید تستر با ثیاب و قمیص داشته باشند و از اینها جایز نیست وضع الثیاب ولی اینکه مقدار ثیاب ولو به معنی قمیص باشد باز شامل پوشاندن وجه و کفین نمی‌شود و از جهت دلالت بر اینکه چه مقداری از اعضاء را باید بپوشاند دلالتی در کار نیست.

# [وجه چهارم: اجماع]

ادعا شده است که زن باید وجه و کفین را بپوشاند که ادعای تسالم و اجماع شده است؛ در یک عبارتی فاضل مقداد در کتاب کنز العرفان این اجماع را بیان کرده است که فرموده است:

«قیل المراد بالظاهرة الثّیاب فقط و هو الأصحّ عندی لإطباق الفقهاء علی أنّ بدن المرأة کل‌ها عورة إلاّ علی الزّوج و المحارم، فعلی هذا المراد بالباطنة الخلخال و السوار و القرط، و جمیع ما هو مباشر للبدن و یستلزم نظره نظر البدن.» [[6]](#footnote-6)

ایشان درادامه فرموده است که اصح نزد ایشان زینت ظاهره همان ثیاب است ولی اقوال دیگری نیز مثل وجه و کف نیز در مساله است یا کحل و خاتم لذا فرموده است:

«و أمّا باقی الأقوال فی ذلک، فهی أنّه الوجه و الکفّان، أو الکحل و الخضاب أو الخاتم، و أنّه إنّما تسومح فیها للحاجة إلی کشف‌ها، فضعیفة لا تحقیق لها، فإنّه إن حصل ضرورة و لزم حرج فذلک هو المبیح لا الآیة، و إلاّ فلا وجه لذلک.» [[7]](#footnote-7)

ایشان فرموده است که اقوال دیگری در مساله است ولی این اقوال ضعیف اند و قابل استناد نیست.

## [اشکال]

اشکالی که در کلام اقای حکیم آمده این است که این اجماع و تسالم محل منع است چون مرحوم شیخ طوسی جزء قائلین به جواز نظر به وجه و کفین بوده است و برخی اعلام دیگر مانند مرحوم کلینی وقتی در کتاب کافی نظر فقهی خودشان را نوشته‌اند و قائل به جواز نظر به وجه وکفین بوده است دیگر نمی‌توان به اجماع ملتزم شد و از جهت صغروی چنین اجماعی وجود ندارد. [[8]](#footnote-8)

اقای خویی در اشکال به این وجه چهارم : اگر مقصود از این ادعای اجماع این باشد که به صورت فی الجمله اجماع وجود دارد که دلیل بر مدعا نیست اما اگر اجماع تفصیلی ولو در وجه وکفین ادعا شده باشد چنین اجماعی وجود ندارد و علی ای حال در میان متقدمین نیز نظر به جواز وجود دارد . [[9]](#footnote-9)

# [وجه پنجم: سیره متدینین]

 سیره زنان مومنه بر اين است که حتی وجه و کفین خود را می‌پوشانند و ادعا شده است که در ازمنه ما این سیره وجود دارد و هرچه جلوتر برویم این سیره وجود دارد تا به زمان معصومين عليهم السلام متصل است و به ان زمان می‌رسد ، سيره قطعيه متشرعه بر این بوده که در مقابل نامحرم زنان مومنه حتی وجه و کفین را می‌پوشانده‌اند.

## [اشکال مشترک اقای حکیم و اقای خویی]

 اگر از نظر صغروی وجود این سیره و اتصالش یه عصر معلوم احراز شود اینکه سیره قائم بر این مطلب شود باز معلوم نیست از باب وجوب تستر حتی در وجه وکفین بوده باشد بلکه ممکن است منشا این سیره احتیاط و شدت تحفظ می‌باشد.

**(جواب)**

 لکن اگر همه زنان مومنه این حالت تستر وجه و کفین را مراعات می‌کنند این نمی‌شود مگر اینکه حکم لزومی باشد و الا اگر حکم لزومی نبود درهمه مومنات این رویه را رعایت می‌کرده اند.

1. یکشنبه ،20 آبان ،1403 [↑](#footnote-ref-1)
2. تفصیل وسائل الشیعة إلی تحصیل مسائل الشریعة، جلد: ۲۰، صفحه: ۲۰۲ [↑](#footnote-ref-2)
3. الَ‌:سَأَلْتُ‌ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ‌ عَلَيْهِ‌ السَّلاَمُ‌عَنِ‌ الذِّرَاعَيْنِ‌ مِنَ‌ الْمَرْأَةِ‌ هُمَا مِنَ‌ الزِّينَةِ‌ الَّتِي قَالَ‌ اللَّهُ‌ وَ لاٰيُبْدِينَ‌ زِينَتَهُنَّ‌ إِلاّٰ لِبُعُولَتِهِنَّ [↑](#footnote-ref-3)
4. موسوعة الإمام الخوئي، جلد: ۱۲، صفحه: ۷۱ : «و فيه:أن المراد بالثياب الخمار و الجلباب كما فسرت بذلك في غير واحد من الأخبار[176]فيجوز النظر إلى شعورهن و رؤوسهن، و أما غير القواعد فلا يجوز النظر الى مثل ذلك منهنّ‌. و أما الوجه و الكفان فلا تعرّض لهما في الآية نفياً و إثباتاً.» [↑](#footnote-ref-4)
5. تفصیل وسائل الشیعة إلی تحصیل مسائل الشریعة، جلد: ۲۰، صفحه: ۲۰۲ ؛باب 110-أَبْوَابُ‌ مُقَدِّمَاتِ‌ اَلنِّكَاحِ‌ وَ آدَابِهِ:بَابُ‌ حُكْمِ‌ الْقَوَاعِدِ مِنَ‌ النِّسَاءِ‌‌ [↑](#footnote-ref-5)
6. کنز العرفان في فقه القرآن، جلد: ۲، صفحه: ۲۲۲ [↑](#footnote-ref-6)
7. همان [↑](#footnote-ref-7)
8. مستمسک العروة الوثقی، جلد: ۵، صفحه: ۲۴4 [↑](#footnote-ref-8)
9. موسوعة الإمام الخوئي، جلد: ۱۲، صفحه: ۷۲ : « الرابع:الإجماع الذي ادّعاه الفاضل المقداد، حيث ذكر إطباق الفقهاء علی أنّ‌ المرأة بتمامها عورة فلا يجوز النظر إليها . و فيه:مضافاً إلی أنّه إجماع منقول، أنّ‌ دعواه موهونة في المقام إذا أراد به مايعم الوجه و الكفّين، لذهاب جماعة من المحققين كالشيخ الطوسي علی ما نسب إليه و الشيخ الأنصاري و غيرهما إلی الجواز، و معه كيف يمكن دعوى الإطباق و الاتفاق. و إن أراد به دونهما فهو مسلّم، لكنه لا ينفع للمقام و أجنبي عن محل الكلام. فهذه الدعوى علی تقدير غير صحيحة و علی التقدير الآخر غير مفيدة.» [↑](#footnote-ref-9)